

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید

جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی

گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت

حکومت اسلامی در ایران

- ادامه اعتصاب غذای صدها زندانی واحد 2 زندان قزلحصار کرج در اعتراض به انتقال 6 همبندی به سلول انفرادی و افزایش اجرای احکام اعدام برای ششمین روز متوالی
- تجمع اعتراضی داوطلبان آزمون استخدامی ماده 28 سال 1404 آموزش و پرورش نسبت به بلاتکلیفی استخدامی در تهران
- ادامه تجمع اعتراضی کارگران کارخانه چوکا نسبت به اخراج 25 همکار و تهدید کارگران حق طلب از کارتوسط مدیرعامل، عدم پرداخت بموقع حقوق ، قطع اضافه کاری و نداشتن امنیت شغلی
- مطالبه گران کف خیابان گیلان:
- برای پاسداشت کرامت انسانی خود در این برهه حساس، به خیابان آمده و به یکشنبه های اعتراضی سراسری می پیوندیم
- بیانیه ی اعتراضی کانون صنفی معلمان ایران (تهران) درباره نقض ماده ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و وضعیت نابسامان بیمه ی تکمیلی بازنشستگان
- تجمع اعتراضی جمعی از متقاضیان مسکن ملی 8112 واحدی اراک نسبت به افزایش قیمت مقابل اداره کل راه و شهرسازی استان مرکزی
- بیان اعتراضات کارگری و اجتماعی: تداوم پراکندگی، تقویت همبستگی و چالش های راهبردی

- سرکوب با اسم رمز اقتدار فرهنگی: از روایت‌سازی با چاشنی حجاب تا بیانیه حدود ۱۰۰ استاد دانشگاه علامه جهت تشدید اجرای حجاب در دانشگاه‌ها!

- دکتر محمدعلی کشواد، معاون دانشجویی و فرهنگی دانشکده دندان‌پزشکی دانشگاه تهران با فشار بسیج دانشجویی از سمت خود استعفا داد.

- اعتراضات سراسری در آمریکا؛ از مخالفت با سیاست‌های مهاجرتی تا اعتراض به گسترش مراکز داده هوش مصنوعی

- از المحله تا سمانود؛ تداوم مبارزات زنان کارگر نساجی مصر

- مرگ و مصدومیت 3 کارگر زیر آوار درنیشابور

*ادامه اعتصاب غذای صدها زندانی واحد 2 زندان قزلحصار کرج دراعتراض به انتقال 6 همبندی به سلول انفرادی و افزایش اجرای احکام اعدام برای ششمین روزمتوالی

روزشنبه 27 تیر برای ششمین روز متوالی، صدها زندانی واحد 2 زندان قزلحصار کرج به اعتصاب غذای خود دراعتراض به انتقال 6 همبندی به سلول انفرادی و افزایش اجرای احکام اعدام، ادامه دادند.



***تجمع اعتراضی داوطلبان آزمون استخدامی ماده 28 سال 1404 آموزش و پرورش نسبت به بلاتکلیفی استخدامی در تهران**

روزشنبه 27 تیر، خبر تجمع اعتراضی داوطلبان آزمون استخدامی ماده 28 سال 1404 آموزش و پرورش نسبت به بلاتکلیفی استخدامی طی روزهای گذشته در تهران، رسانه ای شد.



این جاماندگان استخدام معلمی در ارتباط با دلایل اعتراض خود به خبرنگار رسانه ای گفتند: ما در آزمون کتبی و مصاحبه قبول شدیم؛ هر ساله تکمیل ظرفیت در آموزش و پرورش انجام می‌شد اما در سال 1404 با وجود بودجه و مجوز از سوی سازمان امور استخدامی و سازمان برنامه و بودجه کشور برای برگزاری تکمیل ظرفیت برای 7000 داوطلب، متأسفانه تکمیل ظرفیت برگزار نشد و وزارت آموزش و پرورش به ما داوطلبان اعلام کرد که برای آزمون 1405 آماده شوید.

آنها افزودند: حال با توجه به عدم امکان برگزاری آزمون در شرایط فعلی کشور و با توجه به کمبود معلم، وزارت آموزش و پرورش حاضر نیست ما را به عنوان نیروهای ذخیره آموزش و پرورش که تمامی مراحل مصاحبه را گذراندیم، استخدام نماید و حتی کیفیت آموزش مجازی را با به کارگیری نیروهای بازنشسته کاهش داده‌اند.

آنها در خاتمه گفتند: یکسال است بلاتکلیف و سرگردانیم.

***ادامه تجمع اعتراضی کارگران کارخانه چوکا نسبت به اخراج 25 همکار و تهدید کارگران حق طلب از کارتوسط مدیرعامل، عدم پرداخت بموقع حقوق ، قطع اضافه کاری و نداشتن امنیت شغلی**

روز شنبه 27 تیر، کارگران کارخانه چوکا از ادامه تجمع اعتراضیشان نسبت به اخراج 25 همکار و تهدید کارگران حق طلب از کارتوسط مدیرعامل، عدم پرداخت بموقع حقوق ، قطع اضافه کاری و نداشتن امنیت شغلی، خبر دادند.



آنها با اشاره به وضعیت بحرانی این واحد قدیمی صنعتی، به خبرنگار رسانه ای گفتند: کاهش تولید، نبود سرمایه در گردش، بدهی‌های انباشته و ضعف مدیریتی، این کارخانه را در معرض رکود و تعطیلی قرار داده است.

آنها افزودند: چوکا در حوزه تولید خمیر چوب، کارتن و مقوا از ظرفیت بالایی برخوردار است و در صورت فعالیت کامل، می‌تواند بخش قابل‌توجهی از نیاز کشور به کاغذ و مقوا را تأمین کند، اما این ظرفیت در سال‌های اخیر به دلیل بی‌توجهی و نبود حمایت مؤثر بلااستفاده مانده است.

آنها ادامه دادند: حقوق و معوقات مزدی آنان از فروردین تا خرداد 1405 پرداخت نشده و در این مدت فقط با وعده‌های مکرر روبه‌رو بوده‌اند. آنان همچنین اعلام می‌کنند که در اسفند 1404، 25 نفر از کارگران این مجموعه اخراج شده‌اند و این مسئله بر نگرانی‌های شغلی سایر کارگران افزوده است.

کارگران همچنین با اشاره به فیش حقوقی مدیرعامل شرکت افزودند: دریافتی برخی مدیران با شرایط کارگران قابل مقایسه نیست و در حالی که حقوق کارگران پرداخت نشده، رقم‌های بالایی به مدیران تعلق گرفته است.

آنها همچنین گفتند: اعتراضات و تجمعات این چند روز نیز در همین چارچوب و برای جلب توجه مسئولان به وضعیت بحرانی کارخانه و مطالبات مزدی و شغلی کارگران شکل گرفته است.

در همین رابطه: تجمع اعتراضی کارگران کارخانه چوکا نسبت به اخراج 20 همکار و تهدید کارگران حق طلب از کارتوسط مدیرعامل، عدم پرداخت بموقع حقوق و قطع اضافه کارو ثبت 140 ساعت اضافه‌کاری برای مدیرعامل

کارگران خشمگین مدیرعامل را از این واحد تولیدی بیرون کردند

روز چهارشنبه 24 تیر، کارگران کارخانه چوکا (شرکت چوب و کاغذ ایران) برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به اخراج 20 همکار و تهدید کارگران حق طلب از کارتوسط مدیرعامل، عدم پرداخت بموقع حقوق و قطع اضافه کار و ثبت 140 ساعت اضافه کاری برای مدیر عامل دست به تجمع در این واحد تولیدی واقع در شهرستان رضوانشهر، استان گیلان زدند.



کارگران به خبرنگاریک رسانه محلی گفتند: در حالی که اضافه کاری آنان قطع شده و بخشی از حقوق سال جدید نیز به صورت ناقص پرداخت شده است، حقوق ماه های اخیر و برخی مطالبات همچنان پرداخت نشده است.

آنها افزودند: در این شرایط مدیرعامل برای خود 140 ساعت اضافه کاری ثبت کرده و دریافتی خود را افزایش داده است.

پس از حضور مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره و بالا گرفتن تنش های لفظی، کارگران مدیرعامل را به صورت از کارخانه بیرون کردند.

***مطالبه گران کف خیابان گیلان:**

برای پاسداشت کرامت انسانی خود در این برهه حساس، به خیابان آمده و به یکشنبه های اعتراضی سراسری می پیوندیم

مردم شریف و آگاه ایران !

خط فقر از مرز 90 میلیون تومان عبور کرده است. " آمارها می گویند سه چهارم جامعه (74.8 درصد) در تامین هزینه های درمان با مشکل مواجه اند... بیش از 81٪ مردم در تامین مواد غذایی (ساده) روزمره شان دچار مشکل جدی بوده" و عرصه زندگی (حیات) هر روز تنگ و تنگ تر می شود.

جنگ سالاران در ویلاهای لاکچری لواسانات و مناطق خوش آب و هوای شمال کشور ، بی توجه به زندگی دهشتبار مردم در جنوب کشور که زیر بمباران شدید آمریکایی ها قرار دارند، "با دستان ترگل ور گل" ، بر طبل جنگ می کوبند و با وقاحت اعلام می دارند: "اگر جنگ نکنیم نان ما آجر می شود"!!! کارگران، معلمان ، پرستاران ، بازنشستگان و سایر اقشار ناگزیر به پرداخت هزینه شلیک هر گلوله اند.

بنابراین ، برای پاسداشت کرامت انسانی خود در این برهه حساس، به خیابان آمده و به یکشنبه های اعتراضی سراسری می پیوندیم . باشد که در تاریخ ثبت گردد اگر ظلم و بی عدالتی سایه شوم خود را بر آسمان میهن ما (*ایران*) گسترانید، انسان هایی بودند که مقاومت مستمر را پیشه خود ساخته و تا پایان راه ایستاده گی کردند.

"نه به جنگ ، زنده باد صلح"

"معلم زندانی آزاد باید گردد"

"کارگر زندانی آزاد باید گردد"

"معترض زندانی آزاد باید گردد"

زمان: یکشنبه 28 تیر 404 ساعت 10.30

مکان: رشت، گلزار . مقابل اداره کل تامین اجتماعی #گیلان

(مطالبه گران کف خیابان گیلان)

***بیانیه ی اعتراضی قانون صنفی معلمان ایران (تهران) درباره نقض ماده ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و وضعیت نابسامان بیمه ی تکمیلی بازنشستگان**

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) با ابراز نگرانی و اعتراض شدید نسبت به وضعیت موجود در حوزه ی درمان بازنشستگان، اعلام می دارد که استمرار بی توجهی دستگاه های اجرایی به اجرای قوانین مصوب کشور، به ویژه ماده ی ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، تضییع آشکار حقوق قانونی میلیون ها کارمند و بازنشسته ی دولت است.

بر اساس ماده ی ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، دستگاه های اجرایی مکلف شده اند کلیه ی کارمندان دولت، بازنشستگان و افراد تحت تکفل آنان را علاوه بر بیمه ی پایه، تحت پوشش بیمه ی تکمیلی قرار دهند .

با این وجود، از زمان تصویب این قانون در سال ۱۳۸۶ تاکنون، بسیاری از دستگاه های اجرایی، از جمله وزارت آموزش و پرورش، از اجرای کامل و مستقیم این حکم قانونی خودداری کرده اند و مسئولیتی را که قانون بر عهده ی دستگاه ها گذاشته است، به صندوق بازنشستگی کشوری واگذار کرده اند. اقدامی که نتیجه ی آن، شکل گیری مشکلات گسترده و نارضایتی عمیق در میان بازنشستگان بوده است.

صندوق بازنشستگی کشوری نیز به جای آنکه در جهت تقویت حمایت درمانی بازنشستگان گام بردارد، در سال ۱۴۰۵ با افزایش ناگهانی و غیرقابل قبول سهم پرداختی بازنشستگان، فشار اقتصادی مضاعفی را بر آنان تحمیل کرده است.

در شرایطی که بازنشستگان با تورم سنگین، افزایش سرسام‌آور هزینه‌های درمان و زندگی و افزایش ناچیز حقوق‌ها مواجه هستند، افزایش سهم بیمه‌ی تکمیلی از حدود ۲۴۰ هزار تومان به ۸۰۰ هزار تومان برای هر نفر، بدون مشارکت مؤثر صندوق، اقدامی ناعادلانه و مغایر با فلسفه‌ی حمایت از بازنشستگان است.

این افزایش هزینه در حالی اعمال شده است که کیفیت خدمات درمانی نه تنها بهبود نیافته، بلکه وجود سقف‌های محدود، کاهش سطح تعهدات و مشکلات متعدد در دریافت خدمات، موجب نارضایتی گسترده‌ی بازنشستگان شده است.

بدحسابی‌های مکرر صندوق بازنشستگی کشوری با شرکت‌های بیمه‌ی طرف قرارداد نیز در سال‌های گذشته خسارت‌های فراوانی به بار آورده است.

قطع همکاری بسیاری از بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و مراکز درمانی با بیمه‌ی تکمیلی، بازنشستگان را در زمان بیماری و نیاز به درمان با سرگردانی و اضطراب مواجه کرده است، در حالی که درمان مناسب و بدون دغدغه، حداقل انتظار کسانی است که سال‌ها برای خدمت به کشور تلاش کرده‌اند.

همچنین روند بازپرداخت هزینه‌های درمانی پرداخت شده توسط بازنشستگان، به فرآیندی فرسایشی و غیرقابل قبول تبدیل شده است. بسیاری از بازنشستگان پس از ماه‌ها پیگیری و انتظار، گاه تنها ۶۰ تا ۷۰ درصد هزینه‌های پرداختی خود را دریافت می‌کنند، موضوعی که نشان‌دهنده‌ی ضعف جدی در مدیریت، نظارت و تعهدات بیمه‌ی تکمیلی است.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن اعتراض جدی به این روند، تأکید می‌کند که درمان و سلامت بازنشستگان نباید قربانی بی‌تدبیری مدیریتی، کمبود منابع یا تصمیمات غیرکارشناسی شود.

بازنشستگان صاحبان حق هستند، نه دریافت‌کنندگان کمک و صدقه.

بنا بر این انتظار می‌رود:

۱- هرچه سریع‌تر نسبت به اجرای کامل ماده ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و بازگرداندن مسئولیت قانونی دستگاه‌های اجرایی اقدام شود.

۲- افزایش غیرمنصفانه‌ی سهم بازنشستگان در بیمه‌ی تکمیلی لغو و سهم عادلانه‌ی صندوق‌ها و دولت برقرار شود.

۳- کیفیت خدمات بیمه‌ی تکمیلی ارتقا داده شود و محدودیت‌های غیرمنطقی در پوشش‌های درمانی به طور کامل برطرف شود.

- ۴- قراردادهای بیمه‌ی تکمیلی و نحوه‌ی هزینه‌کرد منابع مربوط به درمان بازنشستگان شفاف شود.
- ۵- سازوکاری ایجاد شود که بازنشستگان برای دریافت هزینه‌های درمانی خود ماه‌ها در انتظار نمانند.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) هشدار می‌دهد که ادامه‌ی این روند، بی‌توجهی به شأن و منزلت میلیون‌ها بازنشسته و نادیده گرفتن حقوق قانونی آنان است.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

***تجمع اعتراضی جمعی از متقاضیان مسکن ملی 8112 واحدی اراک نسبت به افزایش قیمت مقابل اداره کل راه و شهرسازی استان مرکزی**

روز شنبه 27 تیر، جمعی از متقاضیان مسکن ملی 8112 واحدی اراک برای اعتراض به افزایش قیمت مقابل اداره کل راه و شهرسازی استان مرکزی تجمع کردند. و خواستار تعیین قیمت تمام‌شده به صورت شفاف و براساس هزینه‌های واقعی ساخت و انتشار جزئیات محاسبات و مبانی قیمت‌گذاری شدند.



***بیان اعتراضات کارگری و اجتماعی: تداوم پراکندگی، تقویت همبستگی و چالش‌های راهبردی**

در شرایطی که تیرماه امسال با موج گسترده اعتراضات کارگری و اجتماعی همراه شده و معیشت، دستمزد، درمان و امنیت شغلی به دغدغه مشترک بازنشستگان، کارگران صنایع مختلف، معلمان و کادر درمان تبدیل شده، علیرضا نوایی، فعال کارگری، در گفت‌وگو با «زمانه» با تأکید بر پراکندگی فعلی این اعتراضات و نبود تشکل سراسری، از چالش دستیابی به اعتصاب عمومی سخن گفت و همزمان بر نقش کلیدی همبستگی میان کارگران شاغل و بازنشسته و پیوند آن با دیگر نیروهای اجتماعی به‌عنوان مسیری برای تحمیل تدریجی مطالبات و تغییر توازن قوا در برابر سرکوب دولتی و شرایط جنگی تأکید کرد.

در تیر ماه سال جاری اعتراضات کارگری عمدتاً پیرامون بحران معیشتی و مطالبات اقتصادی شکل گرفته‌اند. بازنشستگان کرمانشاه با شعار «تا حق خود نگیریم، یکشنبه‌ها می‌آییم» در سهراب ۲۲ بهمن تجمع کرده و خواستار افزایش حقوق متناسب با هزینه زندگی و درمان مناسب بودند. کارگران کارخانه‌هایی مانند فولاد ابرکوه، گروه ملی فولاد، راه‌آهن شمال، پالایشگاه بیدبلند بهبهان و معدن مس درخشان سیرجان با اعتصاب و تجمع به عدم پرداخت به‌موقع حقوق، بیمه ناقص، اخراج و بلاتکلیفی

شغلی اعتراض داشتند. معلمان و کادر درمان نیز از تأخیر در پرداخت مطالبات و تبعیض شکایت کردند. این اعتراضات نشان‌دهنده فشار شدید اقتصادی، تورم و ناکارآمدی مدیریت دولتی بر معیشت زحمتکشان است.

وجه مشترک دوم اعتراضات در هفته گذشته سرکوب دولتی، خشونت و فشار قضایی علیه معترضان بود. کشته شدن سام حسینی (کودک ۱۵ ساله) و سیروان خوشنمک (کولبر ۱۸ ساله) با تیراندازی مستقیم نیروهای هنگ مرزی، نمونه بارز خشونت ساختاری در مناطق مرزی است. کانون نویسندگان ایران از بازداشت و احکام سنگین علیه نویسندگانی مانند نیوشا بدیعی، شهرام طالبی‌نژاد، پیمان فرح‌آور (حکم اعدام) و وکلایی چون آستاره انصاری و سه وکیل شیراز خبر داد. همچنین زندانیان سیاسی مانند ارغوان فلاحتی (حکم اعدام)، شلیر مامقادی (محرومیت از درمان) و یادآوری کشتارهای دی‌ماه ۱۴۰۴ و حمله به کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۱۳۷۸، الگوی تکراری سرکوب مطالبات مسالمت‌آمیز را برجسته می‌کنند.

مطالبه‌گران گیلان به «یکشنبه‌های اعتراضی سراسری» پیوستند و شعارهایی مانند «کارگر زندانی آزاد باید گردد»، «نه به جنگ و نه به استبداد» و اجرای مواد ۹۶ و ۵۴ سر دادند. فراخوان به اتحاد بین کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان و نویسندگان، همراه با کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در ۵۷ زندان و بیانیه‌های دادخواهی از کشتارها، نشان‌دهنده تلاش برای تبدیل اعتراضات پراکنده به جنبشی متحد و پایدار علیه استبداد و بی‌عدالتی است. با آقای علیرضا نوایی، فعال کارگری گفت‌وگو کردیم.

علیرضا نوایی در گفت‌وگو با زمانه، با اشاره به ویژگی‌های اعتراضات کارگری گفت که این اعتراضات معمولاً با آهستگی و پراکندگی پیش می‌روند و برخلاف برخی خیزش‌های مردمی، بعید است به شکل ناگهانی به اعتصاب عمومی یا اعتراض سراسری تبدیل شوند. او افزود:

امکان دارد یک شورش یا خیزش سراسری به طور ناگهانی رخ بدهد، اما در مورد اعتراضات کارگری و اعتصاب عمومی، ماجرا متفاوت است. اگر بخواهیم با یک اعتراض سراسری یا اعتصاب عمومی روبرو شویم، این موضوع تا حد زیادی قابل پیش‌بینی است؛ زیرا به عوامل مختلفی بستگی دارد. یکی از مهم‌ترین این عوامل، سازمان‌یابی مستقل کارگران شاغل و بازنشسته است. همبستگی بین واحدهای مختلف صنعتی و خدماتی از یک طرف، و همبستگی بین کارگران شاغل و بازنشسته از طرف دیگر، بسیار تعیین‌کننده است. علاوه بر این، همبستگی بین بخش‌های مختلف جنبش اعتراضی یعنی پیوند کارگران با دیگر نیروهای اجتماعی نیز نقش کلیدی دارد. از طرف دیگر، کمیت شرکت‌کنندگان در اعتراضات کارگری و اعتراضات در بخش‌های مختلف نیز بسیار مهم است.

نوایی تأکید کرد که در حال حاضر تشکل سراسری وجود ندارد و تشکل‌های مستقل نیز محدود هستند، هرچند سازماندهی محلی در برخی واحدها دیده می‌شود. او همبستگی بین کارگران شاغل و بازنشسته را هنوز ناکافی دانست، ولی روند رو به رشد آن را مثبت ارزیابی کرد:

برای مثال، شنبه ۲۰ تیر بعد از مدت‌ها شاهد بودیم که در اصفهان، کارگران بازنشسته مخابرات و فولاد همزمان دست به تجمع مقابل استانداری اصفهان زدند. با این حال، تعداد شرکت‌کنندگان در اعتراضات کارگران شاغل و بازنشسته نسبت به کل جمعیت کارگری هنوز کم است. مثلاً

بازنشستگان تأمین اجتماعی در چند شهر روزهای یکشنبه تجمع می‌کنند، بازنشستگان مخابرات نیز در چند شهر تجمع دارند و بازنشستگان کشوری نیز همین‌طور .

به گفته او، با وجود ادامه و گسترش اعتراضات پراکنده در نیمه اول تیرماه، تعداد شرکت‌کنندگان همچنان نسبت به کل جمعیت کارگری کم است و بنابراین در آینده نزدیک نباید انتظار اعتراضات سراسری یا اعتصاب عمومی داشت. با این حال، این تحلیل به معنای نفی ادامه اعتراضات و اعتصابات محلی و مستقل نیست.

حربه سرکوب و جنگ

علیرضا نوایی در ادامه گفت‌وگو با زمانه گفت که حکومت اسلامی به دلیل وحشت از گسترش جنبش اعتراضی کارگران و دیگر نیروهای اجتماعی، به شدت از ابزار سرکوب استفاده می‌کند:

دقیقاً در همین رابطه است که به راه‌اندازی تجمعات شبانه خود یا اعتراضاتی مثل جنازه‌گردانی دست می‌زند تا اعتراضات سراسری یا برآمدهای انقلابی مثل اعتراضات سراسری دی‌ماه را در سایه قرار دهد و نشان دهد که از یک حمایت مردمی برخوردار است.

نوایی در ادامه با اشاره به شرایط جنگی گفت:

در این رابطه، آن چیزی که اهمیت دارد این است که علی‌رغم شرایط جنگی، یعنی اینکه حکومت اسلامی کشور ایران را در موقعیت جنگی قرار داده، مثل یمن و لبنان، و اینکه هر آن امکان دارد آتش‌بسی را اعلام کند و هر آن هم بلافاصله بداند که جنگ دوباره شروع شده، ولی می‌بینیم علی‌رغم این جنگ که هم‌اکنون هم دوباره از سر گرفته شده، اعتراضات کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مثل معلمان، کشاورزان، دانش‌آموزان و دانشجویان کماکان ادامه دارد.

به گفته او، تنها راه خنثی کردن این حربه رژیم و جلوگیری از ایجاد رعب و وحشت، تداوم اعتراضات همراه با تقویت همبستگی بین کارگران شاغل و بازنشسته و پیوند آن با سایر بخش‌های جنبش اجتماعی است؛ به شکلی که جنبش اعتراضی هویت و استقلال خود را حفظ کند و توطئه‌های رژیم را خنثی نماید.

نوایی در پایان افزود که هرچند پیش‌بینی زودرس برای رسیدن به اعتصاب عمومی یا اعتراضات سراسری سازمان‌یافته ندارد، اما ادامه پیگیرانه اعتراضات کارگری و اجتماعی می‌تواند خواسته‌های مشخصی را به حکومت تحمیل کند.

ادامه اعتراض و همبستگی؛ راه تحمیل مطالبات و تغییر توازن قوا

علیرضا نوایی سپس با اشاره به تجربه تاریخی جنبش کارگری گفت که اعتصاب و تجمع در ایران قانونی نیست و فعالان کارگری و اجتماعی در دهه هشتاد هزینه‌های سنگینی برای برگزاری آنها پرداخت کردند، اما با تکرار و پافشاری توانستند برخی مطالبات را به حکومت تحمیل کنند. او افزود که امروز شاهد برگزاری تجمعات کارگری و گسترش آن به دیگر نیروهای اجتماعی هستیم و در حوزه زنان نیز پوشش اختیاری به عنوان یک دستاورد به حاکمیت تحمیل شده است؛ حاکمیتی که اگر

توان و عدم وحشت از گسترش اعتراضات را داشت، حتماً حجاب اجباری را دوباره تحمیل می‌کرد، اما اکنون قادر به این کار نیست. نوایی تأکید کرد:

در دیگر خواسته‌ها هم تنها راه برای اینکه کارگران به مطالبات خودشان دست پیدا کنند، از نظر دستمزد، از نظر امنیت شغلی، از نظر بهبود شرایط کاری و همچنین خواسته اساسی تشکلیابی مستقل، این است که به اعتراضات خودشان ادامه دهند، به همبستگی خودشان ادامه دهند و بر پای این اعتراضات و همبستگی‌ها هست که خواسته‌های خودشان را یکی یکی می‌توانند به حکومت تحمیل کنند.

در پایان، نوایی ابراز امیدواری کرد که با تحمیل پی‌درپی این مطالبات، توازن قوا به نفع نیروهای مردمی، کارگران و دیگر بخش‌های جنبش اجتماعی تغییر کند و شاهد پیشتازی بیشتر اعتراضات کارگری و موفقیت فزاینده جنبش‌های اعتراضی باشیم.

*این مصاحبه توسط حسین نوش‌آذر انجام شده و متن را نیز او نوشته است.

<https://www.radiozamaneh.com/894885>

***سرکوب با اسم رمز اقتدار فرهنگی: از روایت‌سازی با چاشنی حجاب تا بیانیه حدود ۱۰۰ استاد دانشگاه علامه جهت تشدید اجرای حجاب در دانشگاه‌ها!**

به گزارش کانال تلگرامی «علامه آزاد»، در روزهای اخیر، موضوع جابه‌جایی ام‌البنین کشاورز، کارمند دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، خبرساز شده است. خبرگزاری فارس مدعی شد این ماجرا پس از تذکر وی به پوشش یکی از دانشجویان آغاز شده و به تنزل سمت، کاهش حقوق و انتقال او به دانشکده الهیات انجامیده است. پس از انتشار این روایت، کمیسیون فرهنگی مجلس از ورود به پرونده خبر داد و معاون فرهنگی و سیاسی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها نیز با ادعای اخراج این کارمند به دلیل تذکر حجاب، خواستار بازگشت وی و برخورد با مقامات دانشگاه شد.

با این حال، بر اساس گزارش‌های رسیده به «علامه آزاد» و همچنین بیانیه دانشگاه علامه طباطبائی، این روایت با واقعیت ماجرا تفاوت دارد. دانشگاه تأکید کرده است که هیچ اخراجی صورت نگرفته و رابطه استخدامی این کارمند قطع نشده، بلکه صرفاً محل خدمت وی در داخل دانشگاه تغییر کرده است. همچنین اعلام شده این تصمیم ارتباطی با تذکر درباره پوشش نداشته و حاصل مجموعه‌ای از مسائل مرتبط با کیفیت، دقت و سرعت ارائه خدمات آموزشی، نحوه تعامل با دانشجویان و مدیران و بی‌اثر بودن تذکرهای پیشین بوده است؛ موضوعی که با روایت‌های دانشجویان و نارضایتی‌های پیشین آنان از عملکرد این کارمند نیز همخوانی دارد.

در همین حال، این پرونده به بستری برای طرح موضوعاتی فراتر از سرنوشت یک کارمند تبدیل شده است. حدود ۱۰۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در نامه‌ای خطاب به دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها و وزیر علوم، خواستار اجرای سخت‌گیرانه‌تر قوانین عفاف و حجاب در دانشگاه‌ها، جهت احیای «اقتدار فرهنگی» شدند. آنان با استناد به قوانین و مصوبات موجود، تدوین برنامه ملی برای اجرای حجاب، پایان دادن به آنچه

«رویکرد انفعالی» مدیران دانشگاهی خوانده‌اند، حمایت از آمران به معروف و پاسخگو کردن مدیران را مطالبه کرده‌اند.

بخش مهمی از این نامه نیز به پرونده ام‌البین کشاورز اختصاص یافته و امضاکنندگان با پذیرش روایت رسانه‌های نزدیک به حاکمیت، جابه‌جایی وی را ناشی از تذکر درباره حجاب دانسته و خواستار اعاده حقوق او شده‌اند. این در حالی است که دانشگاه علامه پیش‌تر به‌صراحت اعلام کرده بود این تصمیم ارتباطی با تذکر درباره پوشش نداشته است. به این ترتیب، پرونده‌ای که مستندات دانشگاه آن را یک اختلاف اداری معرفی می‌کند، اکنون به محلی برای پیگیری مسائل گسترده‌تر در زمینه اجرای سخت‌گیرانه‌تر سیاست‌های حجاب در دانشگاه‌ها تبدیل شده است.

برگرفته از کانال دانشجویان متحد

***دکتر محمدعلی کشواد، معاون دانشجویی و فرهنگی دانشکده دندان‌پزشکی دانشگاه تهران با فشار بسیج دانشجویی از سمت خود استعفا داد.**

پس از آنکه بسیج دانشجویی دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران در اعتراض به آنکه دکتر محمدعلی کشواد، معاون دانشجویی و فرهنگی دانشکده دندان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، در صفحه شخصی خود درباره افراد حاضر در میداين شهرها عبارت "هر شب لات‌های کوچه خلوت شعار جنگ‌طلبی در خیابان سر می‌دهند" را به کار برده، برکناری فوری دکتر کشواد از سمت فعلی و اخراج از هیئت علمی را مطالبه نمودند، این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران امروز ۲۷ تیرماه از سمت خود کناره‌گیری و استعفا نمود. همچنین این اقدام بسیج، زمینه‌ساز حمله گروهی به مطلب شخصی ایشان و دیوارنویسی‌های تهدیدآمیز گشته است.

پس از استعفای ایشان، جمعی از دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی تهران از رئیس دانشکده دندان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران درخواست کردند ضمن حمایت از ادامه فعالیت دکتر کشواد، مانع آن شود که شرایط موجود به توقف همکاری ایشان با دانشگاه منجر شود.

صنف مستقل دانشجویان بهشتی

***اعتراضات سراسری در آمریکا؛ از مخالفت با سیاست‌های مهاجرتی تا اعتراض به گسترش مراکز داده هوش مصنوعی**

روز شنبه 18 ژوئیه، شهرهای مختلف آمریکا شاهد مجموعه‌ای از تجمع‌ها و راهپیمایی‌هایی بود که محورهای اصلی آن مخالفت با سیاست‌های مهاجرتی دولت، دفاع از حقوق مدنی و اعتراض به گسترش بی‌رویه مراکز داده مرتبط با هوش مصنوعی بود. این اعتراضات در ده‌ها ایالت و صدها شهر برگزار شد و بیانگر تداوم شکاف‌های اجتماعی و سیاسی در ایالات متحده است.



بخش مهمی از اعتراضات با شعار «ICE Out» علیه عملکرد اداره مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) برگزار شد. سازمان‌دهندگان این تجمع‌ها خواستار پایان دادن به سیاست‌های سختگیرانه مهاجرتی، توقف بازداشت و اخراج مهاجران و پاسخگویی مسئولان در قبال مواردی بودند که به کشته شدن چند شهروند در عملیات مأموران مهاجرت انجامیده است. بیش از 70 تجمع در نقاط مختلف کشور برای این موضوع برنامه‌ریزی شده بود.

همزمان، صدها برنامه و گردهمایی با عنوان «Good Trouble Lives On» به یاد جان لوئیس، از رهبران تاریخی جنبش حقوق مدنی آمریکا، برگزار شد. برگزارکنندگان این برنامه‌ها بر ضرورت دفاع از حق رأی، مقابله با محدودیت‌های انتخاباتی و حفاظت از حقوق مدنی تأکید کردند. بنا بر گزارش‌ها، نزدیک به 700 برنامه در سراسر کشور در این چارچوب برگزار شد.

موضوع دیگری که امسال به یکی از محورهای مهم اعتراضات تبدیل شد، مخالفت با توسعه گسترده مراکز داده مورد استفاده شرکت‌های بزرگ فناوری و پروژه‌های هوش مصنوعی بود. معترضان در دست‌کم 125 نقطه آمریکا اعلام کردند که احداث این مراکز موجب افزایش مصرف برق و آب، آسیب به محیط زیست، رشد هزینه‌های انرژی برای شهروندان و اعطای امتیازهای ویژه به شرکت‌های بزرگ فناوری شده است. در برخی تجمع‌ها همچنین بر ضرورت ایجاد اشتغال پایدار و رعایت حقوق کارگران در پروژه‌های زیرساختی تأکید شد.

ناظران سیاسی این موج از اعتراضات را نشانه‌ای از گسترش نارضایتی اجتماعی در آمریکا می‌دانند؛ نارضایتی که طیف‌های مختلف سیاسی را، هرچند با انگیزه‌های متفاوت، در مخالفت با برخی سیاست‌های دولت و نیز پیامدهای اقتصادی و اجتماعی توسعه شتابزده فناوری‌های نوین در

کنار یکدیگر قرار داده است. در زمان انتشار گزارش، اغلب تجمع‌ها بدون درگیری گسترده و به‌صورت مسالمت‌آمیز برگزار شده بودند.

***از المحله تا سمانود؛ تداوم مبارزات زنان کارگر نساجی مصر**

اعتصاب اخیر کارگران کارخانه نساجی سمانود بار دیگر نقش تعیین‌کننده زنان در جنبش کارگری مصر را به نمایش گذاشت. زنان بخش پوشاک نخستین گروهی بودند که خطوط تولید را متوقف کردند؛ اقدامی که یادآور اعتصاب تاریخی کارگران المحله در سال 2006 است. اعتراض اخیر نشان می‌دهد که با وجود سرکوب، محدودیت‌های قانونی و فشار بر تشکلهای مستقل کارگری، زنان همچنان یکی از نیروهای پیشرو جنبش کارگری مصر هستند؛ حضوری که ریشه‌های آن را باید در اعتصاب تاریخی المحله الکبری جست‌وجو کرد.

از سمانود؛ اعتصابی که با زنان آغاز شد



اعتراض کارگران شرکت نساجی و پتوبافی سمانود در استان الغربیه بار دیگر نگاه‌ها را به نقش زنان در جنبش کارگری مصر جلب کرد. کارگران این کارخانه در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها، توقف خدمات بیمه درمانی، وخامت شرایط کار و افزایش فشارهای مدیریتی دست به اعتصاب زدند. گزارش‌های منتشرشده از سوی رسانه‌های مستقل مصری نشان می‌دهد که زنان شاغل در بخش پوشاک نخستین گروهی بودند که کار را متوقف کردند و آغازگر موج جدید اعتراض شدند. آنها تأکید داشتند که شرکت، ماه‌هاست حقوق را با تأخیر پرداخت می‌کند و از ابتدای سال نیز به دلیل بدهی کارفرما، خدمات بیمه درمانی کارگران متوقف شده است.

در ادامه اعتراض‌ها، مدیریت کارخانه با فشارهای امنیتی و سپس تعلیق چند تن از زنان کارگر تلاش کرد اعتصاب را پایان دهد؛ اقدامی که بار دیگر نشان داد هزینه مشارکت زنان در اعتراض‌های کارگری در مصر همچنان بالاست. با وجود پایان اعتصاب پس از وعده‌هایی درباره ازسرگیری خدمات درمانی، بسیاری از مطالبات کارگران همچنان بی‌پاسخ مانده است.

اما اهمیت سمآنود تنها در مطالبات آن نیست؛ این اعتراض یادآور سنتی است که نزدیک به دو دهه پیش در بزرگترین کارخانه نساجی مصر شکل گرفت.

المحله؛ جایی که زنان اعتصاب را آغاز کردند



اگر بخواهیم نقطه عطف جنبش کارگری معاصر مصر را نام ببریم، بدون تردید باید به اعتصاب دسامبر 2006 در کارخانه بزرگ «مصر للغزل والنسیج» در شهر المحله الکبری اشاره کنیم.

در آن زمان، دولت وعده پرداخت پاداش دو ماه حقوق را داده بود، اما این وعده عملی نشد. صبح هفتم دسامبر، حدود سه هزار زن کارگر بخش پوشاک خطوط تولید را ترک کردند و به سمت سالن‌های ریسندگی و بافندگی رفتند؛ جایی که مردان هنوز مشغول کار بودند.

آنان با شعار مشهور:

«اینجا زن‌ها هستند؛ مردها کجا هستند؟»



همکاران مرد خود را به پیوستن به اعتصاب فراخواندند. این اقدام تأثیری تعیین‌کننده داشت؛ هزاران کارگر مرد نیز ماشین‌ها را خاموش کردند و ظرف چند ساعت اعتصاب به حرکتی گسترده تبدیل شد که ده‌ها هزار کارگر را دربر گرفت. در نهایت دولت ناچار شد بخش مهمی از خواسته‌های کارگران را بپذیرد.

این اعتصاب تنها یک موفقیت در راه دست‌یابی به مطالبات مشخص نبود؛ اعتصاب المحله نشان داد که اعتراض‌های اقتصادی می‌توانند به سرعت به جنبش‌های اجتماعی گسترده‌تر تبدیل شوند. بسیاری از پژوهشگران معتقدند موج اعتصاب‌های کارگری میان سال‌های 2006 تا 2010 یکی از زمینه‌های شکل‌گیری اعتراضات مردمی سال 2011 بود.

صنعت نساجی؛ ستون اشتغال صنعتی مصر



صنعت نساجی یکی از قدیمی‌ترین و بزرگترین بخش‌های صنعتی مصر است. شرکت «مصر للغزل والنسیج» در المحله الکبری دهه‌ها بزرگترین مجتمع نساجی خاورمیانه به شمار می‌رفت و هزاران کارگر را در استخدام داشت. این صنعت همچنان سهم مهمی در اشتغال صنعتی مصر دارد و دولت نیز طی سال‌های اخیر برنامه‌هایی برای نوسازی کارخانه‌های نساجی و توسعه این بخش اجرا کرده است.

در این میان، زنان بخش بزرگی از نیروی کار کارخانه‌های پوشاک و نساجی را تشکیل می‌دهند؛ به‌ویژه در خطوط دوخت، بسته‌بندی و کنترل کیفیت.

با این حال، سهم بالای زنان در تولید، لزوماً به معنای برخورداری از شرایط برابر نیست.

زنان؛ بیشترین سهم در تولید، بیشترین آسیب در بحران

زنان کارگر نساجی مصر معمولاً با دستمزدهای پایین‌تر، قراردادهای موقت، وابستگی به اضافه‌کاری، فشار مضاعف ناشی از مسئولیت‌های خانوادگی، دشواری دسترسی به بیمه درمانی و همچنین آسیب‌پذیری بیشتر در برابر اخراج روبرو هستند.

در اعتراض‌های سمانود نیز زنان دقیقاً بر همین مسائل انگشت گذاشتند؛ یعنی تأخیر در پرداخت دستمزد، توقف بیمه درمانی و افزایش فشار کاری.

از این منظر، حضور فعال آنان در اعتراض‌ها صرفاً ناشی از انگیزه‌های سیاسی نیست؛ بلکه از جایگاه ویژه آنان در ساختار تولید و تأثیر مستقیم بحران اقتصادی بر زندگی روزمره خانواده‌های کارگری سرچشمه می‌گیرد.

اعتراض در سایه محدودیت‌های سندیکایی

پس از سال 2013، فضای فعالیت سندیکاهای مستقل در مصر به‌طور محسوسی محدودتر شد. قوانین سخت‌گیرانه، فشارهای امنیتی و کنترل دولت بر تشکل‌های رسمی، امکان سازمان‌دهی مستقل کارگران را کاهش داده است. با این حال، اعتراض‌های کارگری در بخش‌های مختلف، از جمله نساجی، همچنان ادامه یافته و اغلب حول مطالباتی مانند پرداخت دستمزد، بیمه، امنیت شغلی و بهبود شرایط کار شکل گرفته‌اند.

در چنین شرایطی، ابتکار عمل زنان در آغاز اعتراض‌ها اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. تجربه المحله و سپس سمانود نشان می‌دهد که زنان نه فقط شرکت‌کننده، بلکه در بسیاری از موارد آغازگر و سازمان‌دهنده اعتراض‌های کارگری بوده‌اند.

از المحله تا سمانود؛ تداوم یک سنت

فاصله زمانی میان اعتصاب المحله در سال 2006 و اعتراض سمانود نزدیک به بیست سال است، اما شباهت‌های بسیاری میان این دو دیده می‌شود:

هر دو از صنعت نساجی آغاز شدند؛

زنان نخستین گروهی بودند که دست از کار کشیدند؛

مطالبات عمدتاً معیشتی و صنفی بود؛

فشارهای امنیتی و مدیریتی برای پایان اعتراض اعمال شد؛

اعتصاب‌ها فراتر از یک کارخانه، به نمادی از مقاومت کارگری تبدیل شدند.

همین استمرار نشان می‌دهد که سنت مبارزه کارگران نساجی مصر، به‌ویژه زنان، هنوز زنده است؛ حتی اگر فضای سیاسی امروز بسیار بسته‌تر از دو دهه پیش باشد.

جمع‌بندی

اعتراض اخیر زنان کارگر نساجی در سمانود را نمی‌توان صرفاً واکنشی به مشکلات یک کارخانه یا اختلافی بر سر دستمزد و بیمه درمانی دانست. این اعتراض حلقه‌ای از زنجیره مبارزات کارگران نساجی مصر است که از اعتصاب تاریخی المحله الکبری در سال 2006 آغاز شد و نزدیک به دو دهه بعد همچنان تداوم دارد.

در این میان، زنان جایگاهی ویژه در این مبارزات داشته‌اند. آنان نه‌تنها بخش مهمی از نیروی کار صنعت نساجی مصر را تشکیل می‌دهند، بلکه در بزنگاه‌های تاریخی نیز بارها نقش آغازگر

اعتراض‌ها را بر عهده گرفته‌اند؛ از سر دادن شعار ماندگار «اینجا زن‌ها هستند، مردها کجا هستند؟» در اعتصاب المحله تا توقف خطوط تولید در کارخانه سمانود در سال 2026.

تجربه زنان کارگر نساجی مصر نشان می‌دهد که حتی در شرایط سرکوب، محدودیت‌های سندیکایی و فشارهای اقتصادی، همبستگی کارگری و سازمان‌یابی از پایین همچنان می‌تواند به نیرویی مؤثر برای دفاع از حقوق کارگران تبدیل شود.

از این رو، مبارزات زنان کارگر نساجی مصر نه‌فقط بخشی از تاریخ جنبش کارگری این کشور، بلکه تجربه‌ای ارزشمند برای فعالان کارگری و پژوهشگران مسائل کار در سراسر منطقه است؛ تجربه‌ای که نشان می‌دهد دستیابی به دستمزد متناسب به هزینه‌های زندگی، امنیت شغلی، خدمات اجتماعی و حق تشکیل‌یابی مستقل، همچنان در کانون مطالبات طبقه کارگر مصر قرار دارد.

***مرگ و مصدومیت 3 کارگر زیر آوار در نیشابور**

روزشنبه 27 تیر، 3 کارگر حین کار نوسازی یک ساختمان قدیمی واقع در خیابان خاتم النبیین نیشابور بر اثر ریزش بخشی از سقف و دیواره ساختمان زیر تلی از آوار گرفتار شدند و یک نفرشان با 55 سال سن در دم جان خود را از دست داد و دونفر دیگر مصدوم شدند.

akhbarkargari2468@gmail.com